

ترجمه تفسیر طبری و ارزش ادبی آن

با این که تحقیق و تتبع در تفاسیر بزرگ کاری است که مستلزم اطلاع از فقه و اصول و حدیث و خبر است چون انجام یافتن صورت ناقص هر کاری بهتر از انجام نشدن آن است نویسنده این سطور چندی است پیرامون سبک نگارش و لغات و ترکیبات و اصطلاحات ترجمه تفسیر طبری بررسی می کند و امید دارد بتواند در فرصت مناسب در اختیار صاحب نظران قرار دهد (۱). آنچه طی این یادداشتها ملاحظه خواهید فرمود مباحثی است مشتمل بر معرفی ترجمه تفسیر طبری و مقایسه کوتاهی با تفسیر فارسی معروف دیگر کشف الاسرار میبیدی .

تفسیر طبری یکی از بزرگترین تفاسیر اسلامی است و بطوری که بشرح تر گفته می آید نه تنها در آن ترجمه آیات ذکر شده بلکه در جای خود احادیث و قصص قرآن نیز زیاد شده است و در کمتر مأخذی از متون نشر قرن چهارم این چنین وسعت اطلاع و سعه صدر می بینیم که بایکدیگر آمیخته باشد و در حد خود زیبا بدیده آید تا آنجا که براءت و قوه تحقیق و گسترش دامنه اطلاع و دقت نظر طبری به شکل تحسین انگیزی ظاهر گردیده است و حسن ذوق و اصالت نظر در استنتاج مطالب و قصص خواننده را مجذوب می سازد و آنچه در سراسر این تفسیر جلب توجه می کند سبک نگارش و انشای—

۱- اساس کار استخراج لغات و ترکیبات و اصطلاحات هفت مجلد است با مقابله ترجمه امروز قرآن کریم و نشان دادن لغات فارسی کهنه ای که طبری آن را در مقابل لغات عربی آورده است با ذکر آیات و معانی آنها .

خاص آن است که هم از تقلید یا عبارت‌پردازی برکنار. هم از ابتذال نگارش‌های متداول و رایج زمان خود دور. هم استحکام و استواری اسلوب متقدمان را دارا و هم از کهنگی ملال انگیزی که خواننده از نثرهای مشابه زمان او استشمام می‌کند فارغ و علاوه بر تعبیرات و ترکیبات خاص (۱)، نثری پخته و روان دارد. آوردن شرح حال طبری در اینجا موردی ندارد و خواننده علاقه مند می‌تواند به این مأخذ رجوع کند:

دائرةالمعارف اسلام ج ۴ ص ۶۰۷

مورخان عرب سواژه ص ۳۱ - ۱۸

علی اکبر شهبایی: احوال و آثار طبری تهران ۱۳۳۵

مقاله مورخان اسلام - محمد بن جریر طبری - مجله دانش سال اول شماره ۸ و ۹
اما در باره عظمت و اهمیت تفسیر طبری سخنان بسیار گفته‌اند. شیخ ابو حامد
اسفراینی می‌گوید: «شایسته و سزاوار است که مرد برای تحصیل تفسیر طبری به چین
سفر کند» (۲).

عبدالرحمن سیوطی در کتاب طبقات المفسرین از او به عنوان «راس المفسرین
علی الاطلاق» (۳) یاد می‌کند. همچنین در کتاب «صون المنطق والكلام» از طبری
به عنوان «المبعوث علی راس المائة الثالثة» یاد می‌کند (۴).

نه تنها مسلمانان باین تفسیر اهمیت می‌دادند بلکه دانشمندان مسیحی نیز بآن
توجه و عنایت داشتند چنانکه ابن ندیم گوید: «ابوزکریایحیی بن عدی که خود از

۱- نمونه‌هایی ذکر خواهد شد.

۲- نظر به حدیث (اطلبوا العلم ولو بالبعین) داشته است جامع صغیر ج ۱ ص ۱۴۳
ایضا رجوع شود به تحلیل اشعار ناصر خسرو، تالیف آقای دکتر مهدی محقق چاپ دانشگاه
تهران ۱۳۴۴ ص ۶۱

۳- سیوطی طبقات المفسرین ص ۳۰

۴- سیوطی صون المنطق والكلام عن المنطق والكلام ص ۸۸

نصرانیان یعقوبی بود و در علم فلسفه بنهایت کمال رسیده بود گوید من باخط خوددو نسخه از تفسیر طبری را استنساخ کردم و برای ملوک اطراف فرستادم (۱)»

شیوه طبری در تفسیر کبیر

در نسخه نفیسی از ترجمه تفسیر طبری که متعلق به کتابخانه ملی پاریس است و در سنه ۶۲۴ استنساخ شده است آمده که: «و این کتاب تفسیر بزرگست از روایت محمد بن جریر الطبری رحمه الله علیه ترجمه کرده بزبان باری و دری راه راست و این کتاب را بیاوردند از بغداد چهل مصحف بوز این کتاب نبشته بزبان تازی و باسنادهای دراز بوز و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل رحمه الله علیه اجمعین. بس دشخوار آمد بروی خواندن این کتاب و عمارت کردن آن بزبان تازی و چنان خواست کی مرین را ترجمه کند بزبان باری بس علماء ماوراءالنهر را کرد کردو.... (۲)»

طبری در کتاب تفسیر، نخست بر عادت و رسم مؤلفان اسلامی خطبه ای در ستایش خدای یگانه و نعت پیغمبر اکرم (ص) و خاندان آن بزرگوار آورده، آن گاه شرحی در باره اختصاصات و مزایای قرآن مجید از بلاغت و فصاحت و اعجاز ذکر کرده است. پس از آن شرحی به عنوان مقدمه در باره تفسیر و انواع و اقسام تأویل و آنچه تأویل آن بر ما معلوم است و آنچه در باره جواز منع تفسیر قرآن و انواع معانی تفاسیر وارد شده و نیز در باره کلام منسوب به حضرت نبی اکرم (ص) که «قرآن به هفت حرف نازل گشته» و در خصوص اینکه بچه زبانی نازل شد و دربر کسی که گفته است در قرآن کلام غیر عربی وجود دارد و مطالب و دقایق دیگر ایراد کرده است.

۱- ابن ندیم، الفهرست ص ۳۶۹

۲- بیست مقاله قزوینی جزع اول ص ۶۴ ایضاً رک. فهرست بلوشه ص ۱۶ - خوشبختانه این تفسیر نفیسی و ارزنده که به زبان فارسی اصیل خراسان نگارش یافته باهمت آقای حبیب- یغمائی مدیر مجله یغما چاپ شده است.

طبری در کتاب تفسیر خود از کتب تفسیری که قبل از او تالیف شده بود نام می برد و به آنها استناد می جوید از جمله از ابن عباس پنج طریق و از سعید بن جبیر دو طریق و از مجاهد بن جبیر دو طریق و از قتاده سه طریق و از حسن بصری سه طریق و از عکرمه سه طریق و از ضحاک بن مزاحم دو طریق و از عبدالله بن مسعود يك طریق نقل می کند (۱)

قدمت نثر ترجمه تفسیر طبری

متن های منشور قرن چهارم هجری به شیوه علمی کم چاپ شده و ساختمان زبان فارسی و کیفیت تحولاتش از لحاظ لهجه های فارسی و زبان شناسی کاملاً روشن نشده است. این نکته گفتنی است که اثر پذیری لهجه های قدیم در نثر بیشتر از شعر است و اگر توجه خاصی مبذول گردد متضمن فواید گوناگون خواهد بود.

در این زمینه اکنون برخی کوششها صورت گرفته و قطعاتی منظوم و منثور از این دوره توسط صاحب نظران بررسی شده است اما از لحاظ کیفیت صداشناسی و تأثیرات مختلف لهجه ها و نحوه ترجمه از متون عربی و باز کشیدن برخی واژه های اصیل فارسی چندان کاری انجام نگردیده است. بر اساس این گفتار بتازگی شرف شناس مشهور ژیلبر لازار کتابی در خصوص «زبان قدیمی ترین آثار نثر فارسی» (۲) در دو مجلد نوشته که از ترجمه تاریخ طبری در (ص ۳۸-۴۱) و ترجمه تفسیر طبری در (ص ۴۱-۴۵) یاد کرده است (۳). ترجمه تفسیر طبری به وسیله عده ای بیش از بیست نفر از علما و فقهای ماوراءالنهر بدستور منصور بن نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۶۶) از عربی به فارسی روشن و درست در آمده است (۴).

۱- مقدمه مصحح. بر جلد اول ترجمه تفسیر طبری از سلسله انتشارات دانشگاه تهران

۲- رك : معرفی این کتاب در مجله راهنمای کتاب سال هفتم شماره اول، نوشته

آقای دکتر غلامحسین یوسفی استاد دانشکده ادبیات مشهد.

۳- بیست مقاله قزوینی جزء اول ص ۶۲

۴- کشف الظنون ص ۴۲۹

روش ترجمه و مقایسه

با دریافت این نکته که تفسیر حقیقت معانی آیات قرآن را به مقتضای قواعد لغوی و صرفی و نحوی و بلاغی عرب بیان می کند و در مورد مفردات و ترکیبات و معانی آنها و اسباب نزول و ترتیب نزول و توضیح اشارات و مجملات و تمییز ناسخات از منسوخات و محکمت و متشابهات از یکدیگر و تفصیل تعریضات و قصص و حکایات آن بحث می کند. هنگامیکه حدود حکومت اسلام از جزیره العرب توسعه یافت مردم با تشکیلاتی مواجه شدند که بر اساس احکام قرآنی اداره می شد و در نتیجه تفسیر و توضیح مطالب آن برای ایشان لازم به نظر آمد. از بزرگترین کسانی که در این مدت از میان صحابه به تفسیر قرآن شهرت یافتند خلفای اربعه و ابن مسعود و زید بن ثابت و ابو موسی - الاشعری و انس بن مالک و عمرو بن العاص بوده اند و از این میان بعد از علی بن - ابی طالب، (ع) ابن عباس از همه مشهورتر است چنانکه او را ترجمان القرآن و رئیس - المفسرین لقب داده اند (۱).

از تفاسیر منسوب به ابن عباس نسخی موجود است لکن گمان می رود که این تفسیر را خود او ننوشته بلکه به روایت از او گرد آمده باشد، بهر حال ابن ندیم (۲) در ضمن کتب قدیم تفسیر کتابی را به ابن عباس نسبت داده است. در نزد شیعه قدیمی - ترین کتاب تفسیر قرآن منسوب به امام محمد باقر (ع) است. تفسیر دیگری نیز به ابو حمزه الثمالی که از اصحاب حضرت علی (ع) و از بزرگان ثقات بوده نسبت می دهند. در هر حال تا اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم کتب متعددی در تفسیر نوشته شده که شماره کردن همه آنها دشوار است و از میان این کتب در رأس همه آنها جامع - البیان فی تفسیر القرآن تألیف محمد بن جریر الطبری مشهورتر است و همان طور که قبلا سخن رفت بالغ برسی هزار ورق یعنی شصت هزار صحیفه بوده است که

۱- کشف الظنون ص ۴۲۹

۲- الفهرست چاپ مصر ص ۵۰

دیگر مترجمان با هر منصور بن نوح سامانی مختصر کردند و طبری نیز درجایی گفت « دریغا که همت همتها مرده است » (۱) و این شدت تاثر او را از مختصر کردن تفسیر و تاریخ او می‌رساند. اما شیوه این مترجمان در کار تفسیر کبیر با کمال احتیاط و دقت بوده است و هرگز از خود کلمه‌ای نیفزوده اند و در این کار آنقدر مبالغت کردند که چه بسا جمله از روش عادی خود خارج گشته و به تکلف معنی گراییده است. ضمناً در نثر ترجمه تفسیر طبری یکی از خصایص نثر پهلوی که ایجاز است به چشم می‌خورد. اینک اگر ترجمه تفسیر طبری با تفسیر کشف الاسرار میبیدی (۲) که از تفاسیر مهم صوفیه است و در نیمه اول قرن ششم هجری (۵۲۰) تالیف شده مقایسه گردد قدمت و ارزش نثر قرن چهارم و تحول آن در ادوار بعد از جهات مختلف روشن می‌گردد و ضمناً هنر طبری نیز در روزگار خود بهتر آشکار می‌شود.

مقایسه تفسیر طبری با کشف الاسرار میبیدی

الف - ترجمه آیات :

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم فاذا افضتم من عرفات فاذا کروا لله عند المشعر الحرام واذکروه كما هدیکم وان کنتم من قبله لمن الضالین . سوره بقره آیه ۱۹۸
بر شما تنگی نیست که جوئید روزی از خداوند خویش، چون بازگردید از عرفات یاد کنید خدا را نزدیک مشعر حرام و یاد کنید ویرا چنانکه شمارا راه نمود و پیش از آن نبودید مگر از گمراهان
کشف الاسرار ج ۱ ص ۵۲۴
نست بر شما تنگی که بجوئید افزونی از خداوند شما، چون باز گردید از عرفات یاد کنید خدای را نزدیک مشعر حرام و یاد کنید او را چنانکه راه نمود شمارا اگر بودید از پیش آن از گم بودگان
ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۲۹

۱- رک: معجم المطبوعات العربیه ج ۲ ص ۱۲۲۹

۲- این تفسیر با همت آقای علی اصغر حکمت چاپ و نشر شده است.

در این دو عبارت جز در کلمه « فضل » که در کشف الاسرار « روزی » و در ترجمه تفسیر طبری « افزونی » ترجمه شده است تغییری نیست .

یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون .

سوره بقره آیه ۲۱

ای مردمان خداوند خویش را پرستید و او را بندگی کنید آن خداوند که شما را او آفرید و ایشان را که پیش از شما بودند .

کشف الاسرار ج ۱ ص ۹۶

یا مردمان، پرستید خداوند شما را، آن که بیافرید شما را و آن کسها که از پیش شما

ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۲

که فعل « بودند » در جمله دوم دیده نمی شود .

واذ قالت الملائكة یا مریم
سوره آل عمران آیه ۴۲

فریشتگان گفتند ای مریم .
کشف الاسرار چاپ سربى تهران ج ۲ ص ۱۱۳

و چون گفت فریشته یا مریم .
ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۱۱

در این عبارت طبری در مقابل « ملائکه » که اسم جمع است و مفردش « ملك »

است « فریشته » آورده در صورتیکه باید « فریشتگان » می آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ب = مختصات نشر :

بکار بردن پیشونه « باز » که در پهلوی « پاچ » بوده بصورت (وا) و (فا) مانند :

طبری :

در میان شماست جاسوسانی برای ایشان تا خبر و ابرد نزدیک آن منافقان . ص ۶۱۵ ج ۲

فا گرفته اند جهودان و ترسا آن و دانشمندان ایشان . ص ۶۰۹ ج ۲

کشف الاسرار :

رب العالمین بکرم و حلم خود این فاخواست میکند . ص ۱۲۸ ج ۱

آن صفتها و اخلق نمودی . ص ۱۲۷ ج ۱

تبدیل «ر» به «ل» مانند :

طبری :

آن میانه کوه سولاخ کرد . ص ۵۶۵ ج ۳ بجای «سوراخ»

کشف الاسرار :

از کوزه همان برون تلاود که در اوست . ص ۷۲۸ ج ۱ بجای «تراود»

تبدیل بعضی از حروف دیگر بدین شرح :

طبری :

«یاویدن» بجای «یابیدن» یا «بیژه» بجای «ویژه» تبدیل «واو» به «ب» (۱) .

بروید تا این چیزها بیاوید . ص ۵۶۷ ج ۳

«دوژخ» بجای «دوژخ» تبدیل «ژ» به «ز» . حاضرکنیم شان گرد بر گرد دوژخ .

ص ۹۶۴ ج ۴

«زفان» بجای «زبان» تبدیل «ف» به «ب» . وین نام خدای است به زفان عبرانی .

ص ۷۶۱ ج ۳

«گوسپند» بجای «گوسفند» تبدیل «پ» به «ف» . محمد دانست که مرایشان را چون

گوسپندان اندر پیش کرد . ص ۶۵۷ ج ۳

«توسیر» بجای «تفسیر» تبدیل «واو» به «ف» . اینست توسیر آنچه نتوانستی بر آن

شکبائی کردن . ص ۹۳۴ ج ۴

طبری :

«دشخوار» بجای «دشوار» . مانند : نیست آن برخدای دشخوار . ص ۸۲۰ ج ۳

کشف الاسرار :

دژوار (دشخوار) بجای (دشوار) مکرر در تفسیر میبیدی آمده است (۲) مثلا : هر جا

۱- در بسیاری از متون فارسی این گونه تبدیل حروف وجود دارد برای نمونه رجوع شود به کتاب «التصفيه فی احوال المتصوفه» مقاله آقای دکتر غلامحسین یوسفی استاد دانشکده ادبیات مشهد در شماره ۳ و ۲ سال اول مجله دانشکده ادبیات مشهد .

۲- «دژ» یا «دش» بمعنی بدوزشت و در اوستا مقابل «هو» بکار رفته و جزء اول کلمات دشمن، دشنام، دشوار، دژخیم و غیره از این کلمه ساخته شده است . رك ، گاتها ص ۹۰ تألیف استاد پور داود .

که بار تکلیف بر نهاد راه تخفیف فرا پیشروی نهاد ، که راه دشخوار و بارگران بهم نپسندد .
کشف الاسرار ج ۱ ص ۳۱۷

« هشده » بجای « هژده و هجده » مانند : وهب منبه گفت : هشده هزار عالم است
این دنیا که تو می بینی . ص ۱۳ ج ۱

همچنین « آمیغ » بجای « آمیز » و « برزید » بجای « ورزید » و « خروه » بجای « خروس »
و « پیران » بجای « ویران » و « وان » بجای « بان » در تفسیر کشف الاسرار مکرر آمده است .

*

افزودن و تقدیم باء تأکید بر نون در مصدر و فعل مانند :

طبری :

پس هاجر مر اسماعیل را بشاخت و خود بر سر آن کوهها بر شد . ص ۸۳۲ ج ۴

کشف الاسرار :

کار فرمودن و مزد بندگان .

و بطوریکه در متون فارسی دیده میشود افزودن این « باء » تا قرن هفتم در کتب بکار
رفته و بر سر فعل نهی و جحد و نفی نیز آمده است

*

تخفیف در حروف قریب المخرج که از قدیم در زبانهای فارسی باستان وجود داشته
و معمولاً دو حرفی که از یک جنس بود و مجاور یکدیگر قرار می گرفت از حرف آخر کلمه اول
و حرف اول کلمه دوم یکی را حذف می کردند مانند :

طبری :

و گرنی ترا عذاب کنم از این هم سختتر . ص ۶۹۸ ج ۳ « بجای سخت تر »

ایضاً : منیز نامه بوی نویسم که او ملکی است بداد و عدل ، و دین ترسای دارد .

ص ۱۱۰۶ ج ۵ بجای « من نیز » .

کشف الاسرار :

و بدست کس هیچیز نیست . ص ۱۵ ج ۱ ، ایضاً ص ۲۶ ج ۲ بجای « هیچ چیز »

*

در برخی از موارد با آوردن « مه » در جلو فعل آنرا بصورت منفی در آورده مانند :

طبری :

ای گروه مه کنید شما دشمنی با من که برسد بشما چنانکه رسید گروه نوح را .
ص ۷۲۱ ج ۳

کشف الاسرار :

ایشانرا گوئید پای مه جنبانید و واز گردید واجای تنعم . ص ۸۲ ج ۱
و گاهی نیز میان «مه» و «فعل» فاصله شده است مانند: پس کید کنید مرا و مه مهلت
دهید مرا . ترجمه تفسیر طبری ص ۵۵۵ ج ۳
واستعمال این حرف تا قرن ششم هجری رواج داشته است (۱).

*

استعمال «اندر» بجای «در» مانند :

طبری :

جای ساختیم ایشانرا اندر دنیا نیکوی و خوشی . ص ۸۶۹ ج ۴

کشف الاسرار :

و بدانک هیچ عبادت مانند نماز نیست ، و هر که بگذارد دلیل است که ویرا اندر دل
نیاز نیست . ص ۴۷ ج ۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از مختصات ثر قرن چهارم بکار بردن «دو دیگر» و «س دیگر» در مورد شمارش
و ترتیب است که در اکثر متون نظم و نثر آن عهد دیده می شود، طبری علاوه بر استعمال این
دو نوع عدد گاهی بجای «دو دیگر» «و دیگر» استعمال کرده است مانند :

طبری :

و دیگر آنست چون پینامبر علیه السلام مرا بخانه برد من . ص ۶۳۶ ج ۳

۱- درمونس الاحرار فی دقایق الاشعار (نسخه عکسی کتابخانه مجلس شورای ملی) مطلع
قصیده معروف سنائی (مکن در جسم و جان منزل . . .) به این صورت آمده است :
مکن در جسم و جان منزل که این دونست و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه مه اینجا باش و مه آنجا
از یادداشتهای آقای دکتر محمدجعفر محجوب

و سدیگر آنست که هر آن وقت که جبرایل وحی آوردی . ص ۶۳۶ ج ۳

کشف الاسرار :

گفته اند که جمله شرایع سه چیز است : یکی اقرار بوجود معبود ، دیگر عمل کردن از بهروی ، سدیگر اخلاص . ص ۳۸۸ ج ۱

*

بکار بردن کاف تصنیرویا مانند « کی » مثل :

طبری :

بسیار لطف کردند و او را طعامکی دادند و گوسپندکی . ص ۸۳۳ ج ۴

کشف الاسرار :

باشد که از ایشان طعامکی بستانیم و مرغ خانه گیریم ، فتوی چه دهی .

*

بکار بردن الف تفخیم و تعظیم در صفت و موصوف و غیره مانند :

طبری :

و باری خدای شما ای نیکا و دوستا و بارخدایا و نیکایا را . ص ۵۸۳ ج ۳

کشف الاسرار :

مرا که میرانی ، براسلام میران خداوندا . ص ۱۹۷ ج ۲

*

بکار بردن « نشند » بجای « نشنوند » مانند :

طبری :

برجای بیستند در حرب و بهزیمت بنه شند . ص ۵۹۱ ج ۳

کشف الاسرار :

که هرگز در آن مسجد نشند .

*

فاصله میان « می » استمراری و فعل مانند :

طبری :

می هلاک کنید مارا بد آنچه کردند تباهاکاران . ص ۵۵۱ ج ۳

کشف الاسرار :

خدایران نادیده می‌دوست داری و بیکنائی وی می اقراردهی.
چرا می‌بازگردانید از راه خدای آنکس که بگروید . ص ۲۱۰ ج ۲
برخی از نویسندگان و شعرا میان حرف « می » و فعل «باء» تاکید می‌آوردند مانند
« می‌براندمی » و گاهی بین آن و فعل پیشاوند « بر » می‌افزودند مانند «می‌برآورد» .

برخی نکات دستوری در ترجمه تفسیر طبری

بکار بردن مصدر تام در انتهای جملات مانند :
« پس چون موسی آن شریعتها که بتوریت اندر بود بر بنی اسرائیل خواند ، ایشان
گفتند ما این شریعتها بجای نتوانیم آوردن . ص ۵۵۸ ج ۳
شیوه طبری در نگارش بر این بوده که غالباً مصادر تام بکار برده است (۱) و حال
آنکه متاخران در آثار خود مصدر مرخم را بیشتر از مصدر تام بکار برده‌اند و حتی در
قدیم هم مصدر مرخم بکار می‌رفته است .

ناصر خسرو گوید :

گر مکافات بدی اندر طبیعت واجبست چون تواز دنیا چریدی و ترا خواهد چرید
گرچه یزدان آفریند مادر و پستان و شیر کرد کار شیر مادر خود همی باید مکید (۲)

*

تکرار فعل و کوتاهی جملات مانند :
آن دهقان که خدای آن ده بود و دوست حمزه بود و هم دوست بوجهل بود . ص ۶۴۰ ج ۳

*

تکرار ضمائر مشترك مانند :
« واگر نه از بیم آنستی که عرب زبان درمن نهند و گویند ابوطالب چون پیرش داز
دین خویش و آباء و اجداد خویش برگردیده . ص ۱۰۹۴ ج ۵
بکار بردن اسم جمع با علامت جمع مانند :
« و چند که هلاک کردیم ما پیش ازیشان از سمر و هان گذشته » . ص ۹۶۸ ج ۴

۱- رك : سبك شناسی ج ۲ ص ۷۷

۲- تعلیقات آقای دکتر مهدی محقق بر یانزده قصیده ناصر خسرو .

تکرار « ی » استمراری در جملات مانند :

... یاران او راهی رنجا نیندندی و چون بمسجد بنماز رفتندی و بنماز مشغول بودنندی

آن مشرکان بر رفتندی و سنک بدیشان می انداختندی . ص ۱۰۹۴ ج ۵

*

استعمال یای مجهول در « که » و « چه » مانند :

« زکریا گفت پس چی باید کرد . » ص ۹۷۴ ج ۴

*

حذف علامت تفضیلی مانند :

يك تن از فرزندان آدم بدوزخ برم دوست دارم از ملکت این جهان . ص ۷۰۳ ج ۳

*

بجای « دوست تر »

گاهی در افعال ناقص « است » و « نیست » که در زبان پهلوی فعل معین بوده و

« استات » نوشته می شده است با اضافه کردن یای مجهول ، معانی استمرار یا تمنی یا شرط

یا شک و تردید بیرون آورده اند . (۱) طبری در برخی از جایها « استی » بکار برده

است مانند :

« خدای ما الله است ، واگر نه واداشت خدای استی مردمان را برخی از ایشان بپرخی ،

ص ۱۰۵۸ ج ۴

دقیقی گوید :

زخم عقرب نیستی بر جان من گر ترا زلف معقرب نیستی

*

عدم مطابقه فعل با فاعل مانند : « وعلما بدین معراج اندر اختلاف کنند » . ص ۹۱۰ ج ۴

*

تقدیم فعل بر فاعل مانند : « و بکنند خدای تعالی آنچه خواهد . » ص ۸۲۳ ج ۴

*

آوردن فعل مفرد برای اسم جمع مانند :

« خلق همه روی سوی ابراهیم نهاد ، و هیچ کس نزدیک نمرود همی نرفت » ص ۸۵۵ ج ۴

*

آوردن (هی) استمراری بر سر ماضی بعید ، مانند :

« موسی صفت عوج پرسیده بود از ایشان ، و ایشان بالا و صفت او می گفته بودند ،

ص ۵۶۴ ج ۳

*

استعمال فعل بدون باء تأکید مانند :

« سوگند خوردند که نخواستیم مگر نیکویی ». ص ۶۲۷ ج ۳ بجای « بخوردند » در صورتی که از اختصاصات نثر قرن چهارم یکی بکار بردن افعال باباء تأکید بوده است ، والبته طبری غالباً افعال را باباء تأکید آورده است .

*

حذف فعل بقرینه مانند : « بگو : همه غنیمتها خدای راست و پیغمبر ». ص ۵۷۵ ج ۳ بجای « پیغمبر راست »

*

از فعل « بودن » ماضی بعید ساخته است مانند :

« چنین گویند که آن تنور ، تنور آدم بوده بود علیه السلام ». ص ۷۳۰ ج ۳

*

بعضی از افعال متعدی در نثر طبری دیده می شود که بعد از قرن چهارم فراموش شده است مانند : رماییدن ، شنواییدن .

« پس زود برمان و بشنوان و رانده و گریزان ». ص ۵۸۸ ج ۳

*

استعمال حرف « مر » که علامت مفعول له است مانند :

« خدای عزوجل توریت مرموسی را داد ». ص ۵۵۸ ج ۳

مرحوم بهارمی نویسد : ظاهراً حرف « مر » از اصطلاحات خراسان و از لهجه دری بوده و در نویسندگان خراسان نیز استعمال آن گاهی شدت دارد و گاهی ضعف ، من جمله در **بلعمی** باندازه ، و در زاد المسافرین ناصر خسرو و بافراط و در تاریخ سیستان کمتر دیده می شود . (۱)

*

استعمال ضمیر متصل مفعولی پس از ضمیر اشاره مانند :

« واكوشيد بجنك كردن دشمنان بخواستهای شما و بپنهای شما در راه دین و طاعت

خدای ، آنتان ای مؤمنان ». ص ۶۱۳ ج ۳

*

استعمال پسوند « آنی » مانند :

« خدای عزوجل کاری از نصرت کبود کردانی و زکار در آوردانی ». ص ۵۸۵ ج ۳

*

استعمال « فرا » و « فرو » و « اندر » مانند :

« آنکسها که می فرا بافتند بر خدای دروغی ». ص ۶۷۸ ج ۳

« می خواهند کافران که فرو کشند و نیست کنند روشنائی این وحجت خدای را »

ص ۶۰۹ ج ۳

« آنک فرو فرستاد کتاب و او اندر بذر دنیا نرا ». ص ۵۵۶ ج ۳

مطابقه کردن صفت و موصوف از نظر تأنیث بتقلید از زبان عربی ، مانند :
« وعده کرد خدای عزوجل منافقان را و زنان منافقه را » . ص ۶۱۹ ج ۳

*

مطابقه صفت و موصوف از نظر افراد و جمع مانند :

« و بنهد هر خداوند باری بارخویش ، و بینی مردمان را یا محمد مستان » .

ص ۱۰۵۲ ج ۴

*

صفت تفضیلی بجای صفت عالی مانند :

« که وعده تو حق است و تو حاکم تر حاکمانی » بجای « حاکم ترین » . ص ۷۱۳ ج ۳

*

طبری هنگام جمع بستن کلمات مختوم به نون را بایک نون اضافه دیگر جمع بسته

است مانند :

« صدقها درویشانراست و مسکینان را » . بجای « مسکینان » . ص ۶۱۷ ج ۳

*

حذف و تکرار علامت مفعولی مانند :

الف - حذف : « او را یکی گاو بود که او را و فرزندان او همیشه از آن گاو بود »

بجای « فرزندان او را » . ص ۷۰۰ ج ۳

ب - تکرار : « فرمان بردار کرد شمارا آفتاب را و ماه را همیشه رونده » . ص ۸۲۴ ج ۴

وقایع کنایه‌ها در تفسیر طبری

چند نمونه از لغات و ترکیبات و اصطلاحات و کنایات

در ترجمه تفسیر طبری

معنی ، شرح	اصل
آبخور ، سرچشمه وضو	آب خور آب دست
در مقابل « امین » و انالکم ناصح امین سوره اعراف آیه ۶۸	استوار
کنایه از مردن بی سواد افکندن بازو	از جهان بیرون شدن امی او کندن باهو

معنی ، شرح	اصل
مرکب و وسیله سواری و حمل بار،	بارگیر
کنایه از سخت ترسیدن	بدست و پای مردن
مجانی	بی بها
درحق کسی	براستای کسی
فارغ شدن	پرداختن
هنگام ظهر	تاروز راست بیستاد
خشمگین شدن	تاافتن
کنایه از تصمیم بکشتن کسی گرفتن	جنازه کسی را پروراندن
مکعب	چهار سوی
جویدن ، نرم کردن	خائیدن
تصدیق کردن	خط دادن
خشکیدن ، بی حس شدن	خوشیدن
اجازه در مقابل دادن، عربی	دستوری
افسردگی	دل ماندگی
مشهور	روی شناس
کنایه از شب فرارسیدن	روز بی هنگام شدن
پوسیدن جسم	ریزیدن
میکده	شراب خانه
ترسیدن	شکوهیدن
ترکیدن	طریقیدن
توانگر	فراخ کار
بخشنده	فراخ دست
مواظب بودن	گوش داشتن
گل ، لجن	لوش
نگاه ، توجه	نکرش
نماز عصر و هنگام نماز عصر	نماز دیگر
همزاد	هم شکم